

تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا

پذیرش نهایی: ۹۶/۴/۲۵

دریافت مقاله: ۹۶/۱/۲۶

چکیده

رقابت بین کشورهای یک منطقه در جهان پدیده‌ای فراگیر است، لیکن کنش میان کشورهای مدعی تابع نوع و تعداد موارد مورد رقابت و چگونگی حل آن‌ها است. دو کشوری که جهت موقعیت اول شدن در یک منطقه در تلاش هستند، رابطه مسالمت‌آمیز با یکدیگر نخواهند داشت. رابطه این دو کشور تابع نوعی رقابت پایدار خواهد بود که در جهت یارگیری دیگر کشورهای منطقه، به چالش کشاندن همدیگر و حمایت از کشورها و گروه‌های کوچک‌تر جهت تثبیت موقعیت منطقه‌ای تداوم خواهد داشت. در حال حاضر، رقابت متقابل ایران و عربستان در منطقه جنوب غرب آسیا، تنش‌هایی را شکل داده است که این رقابت و منازعه به سایر کشورهای منطقه نیز سرایت کرده و تنش‌هایی را در این بخش از جهان به وجود آورده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه علائق ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا پرداخته است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز کتابخانه‌ای و اسنادی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد کنش دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا تحت تأثیر متغیرهای مختلفی چون سابقه تاریخ، فرهنگی، رقابت ایدئولوژیک، ساختار سیاسی متعارض، رقابت‌های دینی و مذهبی، گروه‌های قومی و مذهبی همسو در کشورهای متقابل و کنش سیاسی سطح فرا منطقه‌ای است. این عوامل در تولید و تداوم رقابت و منازعه بین دو کشور نقش آفرین بوده و تحت تأثیر این رقابت و منازعه، به دلیل وابستگی بخش عمده‌ای از جهان تشدید بحران بین ایران و عربستان باعث شکل‌گیری تنش منطقه‌ای و در مرحله بعدی شکل‌گیری چالش در سطح جهانی خواهد شد.

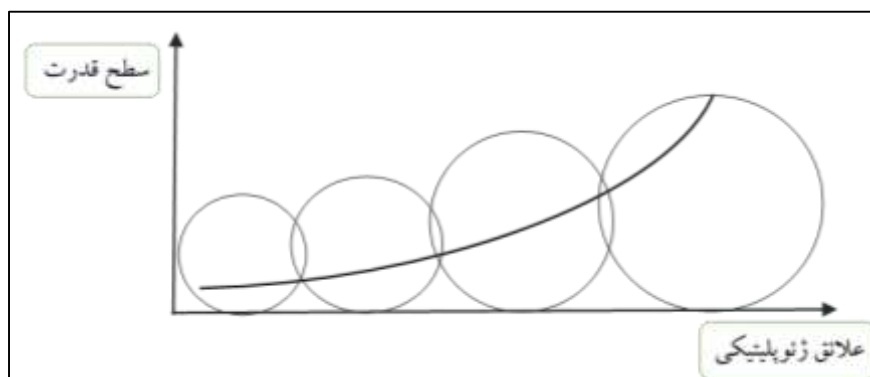
واژگان کلیدی: ایران، عربستان، منازعه، رقابت مسالمت‌آمیز، بحران

مقدمه

علائق ژئوپلیتیکی عبارت است از مکمل‌های فضائی و جغرافیایی ماورای مرزهای یک کشور در خصیصه‌های طبیعی و انسانی که همسویی واقعی یا تصویری با منافع آن کشور دارد. تعلق ژئوپلیتیکی به‌نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی است که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فناوری، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست‌محیطی می‌باشند و کشور به آن‌ها دل‌بستگی و علاقه دارد. یک گروه اقلیت هم‌کیش یا هم‌زبان و هم‌فرهنگ در کشور دیگر؛ یک فضای جغرافیایی مرتفع و مسلط بر کشور، یک جزیره؛ مسیر تأمین واردات کشور؛ بندرگاه‌ها و مسیرهای انتقال صادرات (نفت، گندم)؛ شبکه‌های ارتباط مخابراتی، مراکز فروش کالاها و خدمات (بازارهای نفتی)؛ مراکز تأمین واردات (قطعات، ماشین‌آلات، گندم، دارو و اسلحه)؛ حزب سیاسی طرفدار، اشتراک زبانی؛ آداب‌ورسوم مشترک، مرکز تولید و انتشار نامنی؛ پایگاه نظامی؛ اقلیت قومی معارض؛ دولت رقیب؛ خروج قدرت رقیب از کشور همسایه؛ نفوذ در

ارکان کشور همسایه؛ افزایش مشتریان کالا و خدمات در خارج از مرزها؛ کاهش و کنترل سلاح‌های کشتار جمعی؛ صلح و ثبات بین‌المللی؛ خروج قدرت‌های مداخله‌گر از پیرامون کشور و موارد متعدد دیگر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

علائق ژئوپلیتیکی واقعی، در جهت تأمین منافع کشورها عمل می‌کنند و کشورهای مختلف از این طریق می‌توانند در جهت تقویت وزن ژئوپلیتیک خود تلاش نمایند. لذا ضرورت دارد جهت حداکثر بهره‌برداری از علائق ژئوپلیتیکی، استراتژی ژئوپلیتیکی مشخصی را در پیش گرفت تا با کمترین چالش با رقبا در ارتباط با علائق ژئوپلیتیک بسیط و غیرقابل تقسیم، بتوان بیشترین سهم را از آن در جهت منابع ملی به دست آورد. از سوی دیگر علائق ژئوپلیتیکی تصویری یا غیرواقعی، بستر و زمینه لازم را جهت به انزوا کشاندن سیستم‌های سیاسی فراهم می‌نمایند. کشورهایی که منابع خود را در جهت علائق ژئوپلیتیکی غیرواقعی هزینه نمایند، بسترسازی ضعیف و انزوای خود را در بین سیستم‌های پویایی سیاسی فراهم نموده و درجه آنتروپی خود را افزایش می‌دهند. میزان فراوری علائق ژئوپلیتیکی تابع سطح قدرت کشورها است. چنانچه قدرت یک کشور در ابعاد مختلف رو به گسترش باشد، علائق ژئوپلیتیکی بسط یافته و حلقه آن‌ها در فضای جغرافیایی گسترش می‌یابد. بیشترین علائق ژئوپلیتیکی یک کشور در کشورهای هم‌جوار آن است و به میزان فاصله از مرزهای ملی، میزان علائق ژئوپلیتیکی کاهش خواهد یافت.



شکل ۱- رابطه سطح قدرت کشورها با علائق ژئوپلیتیک

بیان مسئله

در حال حاضر کنش رقابت‌آمیز بین ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا به طرق مستقیم یا غیرمستقیم با بحران‌های زیر در منطقه پیوند خورده است.

- در سوریه تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر در جنگ کشته شده‌اند.
 - بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت سوریه شهر و خانه خود را ترک کرده‌اند.
 - ۵ میلیون نفر از شهروندان سوریه پس از جنگ از این کشور خارج شده‌اند.
 - تخریب زیرساخت‌های سوریه شهروندان این کشور را برای چندین دهه در چالش زیستی قرار خواهد داد.
 - اشغال عراق و عملیات آزادسازی آن تاکنون بیش از ۱ میلیون کشته داشته است.
- رقابت قدرت‌های منطقه‌ای به همراه کنش‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های فرا منطقه‌ای در کشورهای لبنان، یمن، بحرین، افغانستان، عراق و ... نتیجه‌ای جزء جنگ، تداوم بحران، آوارگی و کشتار بی‌گناهان و فقر و عقب‌ماندگی منطقه‌ای در پی ندارد و ...
- این وضعیت در جنوب غرب آسیا، نتیجه چیست؟ چرا بحران در منطقه‌ای به لحاظ ثروت طبیعی نزدیک به یک قرن است که پایدار مانده است؟ چه گروه‌ها و حکومت‌هایی از این وضعیت بیشترین استفاده را خواهند برد؟ این صرفاً نیروهای منطقه‌ای در تولید بحران نقش آفرین هستند؟ پیامد پایداری بحران در منطقه، چیست؟ ابعاد این بحران تا کی و تا چه ابعادی گسترش خواهد یافت؟

تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش های منطقه ای در جنوب غرب آسیا ۱۷

هرچند برای سؤالات فوق و بسیاری از مسائل دیگر می توان فرضیات متعددی را شکل بندی نمود، لیکن این پژوهش علائق ژئوپلیتیکی متداخل قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای و غیر قابل تقسیم بودن آنها را موضوع اصلی در شکل گیری، تداوم و پایداری بحران در منطقه می داند.

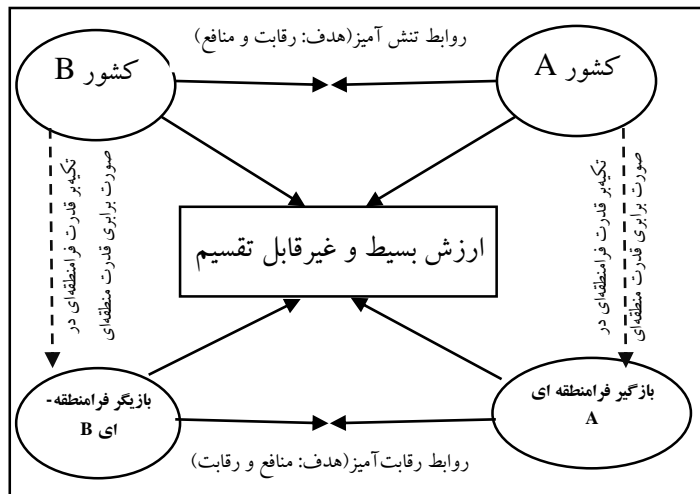
چارچوب نظری

سیاست خارجی کشورهای هم جوار آنها به شدت از متأثر از یکدیگر است. ویژگی های مشترک جغرافیایی، زیرساخت رفتارهای همگرایی منطقه ای را تشکیل می دهد. در چنین سازه های منطقه ای، چنانچه چند قطب مدعی قدرت وجود داشته باشد بیشترین رقابت ها بین قطب هایی در جریان است که از توازن نسبی ژئوپلیتیک برخوردارند و چنانچه این رقابت ها عمیق شده و مانع از مصالح کلان منطقه ای گردد، منطقه با چالش مواجه شده و کارکردهای مؤثر آن تضعیف می شود. در سازه های منطقه ای غیر منسجم که تضادها و تعارض ها توسعه می یابند الگوهای مناقشه گسترش یافته و فضای بحرانی بر منطقه حاکم می شود در این گونه مناطق شکاف های ایجاد شده بین اجزاء و دولت های منطقه ای بستر سازی مناسب را برای مداخله گران و بازیگران فرا منطقه ای فراهم می کند.

مکان ها و فضاهای جغرافیایی دارای ویژگی های و ارزش های خاصی هستند و منابع و مزیت ها نیز در سطح جهان به طور متعادل پخش نمی باشند. به عبارتی الگوی پخش عرضه مزیت ها و نیز تقاضای مزیت های جغرافیایی نامتعادل است. از این رو مکان ها و فضاهای جغرافیایی و به دنبال آن گروه های انسانی ساکن در آنها، ملت ها و حکومت ها به یکدیگر نیازمند و وابسته می شوند. وابستگی ژئوپلیتیکی منعکس کننده این واقعیت است. مزیت های جغرافیایی کشورها از طیف گسترده ای برخوردار است. لکن برخی از کشورها از تمام یا بخشی از آن برخوردارند و برخی از آنها آن را ندارند. این ضرورت وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. البته دولت ها برای تأمین نیازهای خود همیشه از روش های مسالمت آمیز استفاده نمی کنند و گاهی با ترفندهای سیاسی، سلطه، نفوذ، زور و غیره سعی بر تعرض، کنترل و تصرف مزیت های جغرافیایی دیگران را دارند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶). از این رو فضایی تنش زا و خصومت آمیز را در روابط خود با دیگران شکل می دهند که سلامت سیستم سیاسی جهان و منطقه را به چالش کشیده و تهدید می نماید و بحران و ناامنی و جنگ و توسعه نیافتگی را تحمیل می کنند.

به عقیده رلف، فضای جغرافیایی بازتابی از آگاهی های ارادی افراد با محیط خود است (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰۰). ارزش ها و عوامل جغرافیایی به لحاظ ساختاری و یا کارکردی ماهیتی دوگانه دارند. بدین معنی که یک عامل جغرافیایی برای یک گروه یا فرد انسانی ممکن است مثبت تلقی شود در حالی که همان عامل برای گروه و یا فرد دیگر دارای ارزش منفی انگاشته می شود. به علاوه اینکه هویت ساختی و کارکردی عوامل، دارای ارزش ثابت و پایدار نیستند و ممکن است یک عامل در بستر زمان ممکن است دچار تحول ارزشی شود و یا در دیدگاه گروه های انسانی متفاوت ارزش های متفاوتی داشته باشد. از سوی دیگر ساختارهای سیاسی سعی در توزیع و پخش پدیده ها و ارزش های مورد نظر خود در فضای جغرافیایی می نمایند. نظریه پخش هاگستراند مؤید این وضعیت است (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۲، هاگت، ۱۳۷۵: ۸۷) (Johnston, 1994: 132).

با توجه به مطالب فوق می توان شکل ۲ را به عنوان مدلی جهت تبیین رقابت قدرت ها در سطوح مختلف، در ارتباط با ارزش های مورد مناقشه، مدنظر قرارداد.



شکل ۲- مدل رقابت قدرتی و ارزش های بسیط بین بازیگران سیاسی

در الگوی فوق ممکن است روابط مختلف زیر بین واحدهای سیاسی بازیگر شکل گیرد؛ رفتار و کنش دو کشور A و B در ارتباط با ارزش های بسیط و غیر قابل تقسیم از الگوی رقابت و تا حدی منافع نشات می گیرد؛ رفتار و کنش بازیگر فرامنطقه ای A و B تابع کسب حداکثر منافع و سپس رقابت با رقیب متناظر است. رفتار و کنش دو کشور A و B جهت غلبه بر کشور رقیب، تکیه بر قدرت فرامنطقه ای است. رفتار و کنش دو کشور A و B در ارتباط با کشورهای منطقه ای، یارگیری حداکثری است. رفتار و کنش بازیگران فرامنطقه ای A و B در ارتباط با کشور رقیب در برابر کشور مورد حمایت، تحمیل کننده و محدود کننده در فضای جهانی است.

محیط شناسی

جنوب غرب آسیا شامل ۱۹ کشور^۱ است. در حال حاضر منطقه جنوب غرب آسیا فضای رقابت و چالش سازی سه قدرت ایران، عربستان و ترکیه است. این سه قدرت علائق ژئوپلیتیکی متکثر و متنوع دارند و نگرش غیر قابل تقسیم آنها (بسیط بودن علائق ژئوپلیتیکی) بستر چالش سازی و منازعه را شکل داده است. برآیند این وضعیت به شکل گیری دسته بندی های منطقه ای، تولید بحران و منازعه انجامیده است.

^۱ شامل: آذربایجان، ارمنستان، اردن، افغانستان، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، پاکستان، ترکیه، سوریه، اسرائیل، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت،

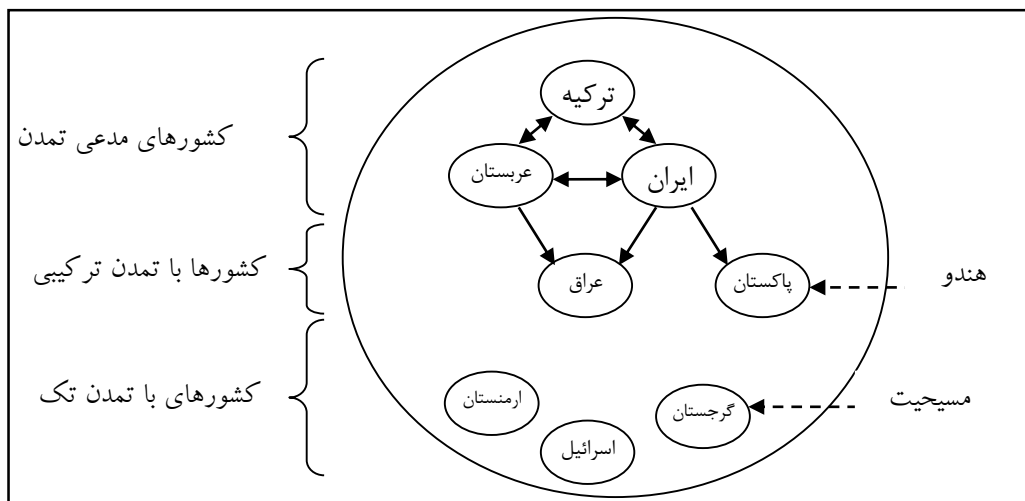
گرجستان، جمهوری لبنان، یمن.



شکل ۳- کشورهای جنوب غرب آسیا

منبع: (انجمن ژئوپلیتیک ایران)

ساختار قدرتی بر مبنای متغیر تمدنی در جنوب غرب آسیا در شکل ۴ آمده است. بسیاری از کنش های ژئوپلیتیکی در این منطقه را می توان بر مبنای مدل زیر مورد مطالعه قرارداد.



شکل ۴- ساختار قدرتی بر مبنای متغیر تمدنی در جنوب غرب آسیا

یافته های تحقیق

الگوی حاکم بر روابط ایران و عربستان

پایان جنگ جهانی اول با تجزیه امپراتوری عثمانی و تعیین و تغییرات جغرافیایی و شکل گرفتن واحدهای سیاسی جدیدی در منطقه خلیج فارس همراه بود. ظهور این واحدها سبب بروز بحران های جدید و نیز تشدید بحران های قدیمی در دو سطح داخلی و منطقه ای شد (حسنات، ۱۹۹۳: ۵۶). در پایان جنگ جهانی دوم الگوی نظام دوقطبی شکل گرفت و کشورهای منطقه به دو گروه تقسیم شدند: عراق به جبهه بلوک شرق و دیگر کشورها به جبهه بلوک غرب پیوستند. در رابطه ایران و عربستان این دوره تا انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷-ه.ش تداوم داشت. سیاست دو ستونی ایالات متحده از دو کشور ایران و عربستان به اجرا گذاشته شد و ایران قبل از سال ۱۹۷۹ به عنوان محور تعادل ژئوپلیتیک خاورمیانه با کمک مکمل استراتژیک خود یعنی عربستان و با پشتیبانی



قدرت دریایی جهانی (ایالات متحده آمریکا) توانست پایداری نسبی را در منطقه برقرار سازد. در نتیجه طی سه دهه خلیج فارس از یک امنیت نسبی خوبی برخوردار بود و همه کشورهای واقع در آن به جز عراق به صورت مسالمت آمیز مسائل خود را حل می کردند و هیچ گاه برخوردهای خشونت آمیز بین آنها اتفاق نیفتاد (عزتی، ۱۳۷۷: ۱۸۲). دو کشور همچنین در زمینه مسائل اوپک، فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی وحدت نظر داشته و هر دو نگرش یکسانی نسبت به شوروی و آمریکا داشتند (سادات عظیمی، ۱۳۷۵: ۱۲۴). در این دوره در چارچوب نظام ژئوپلیتیک جهانی و عقبه های منطقه ای آن، عربستان و ایران دچار هم گرایی ساختاری بوده و نیروی پیونددهنده بر نیروی جداکننده غلبه داشته است. در این دوره ایران از منزلت ژئوپلیتیک برتر نسبت به عربستان برخوردار بوده است (حافظ نیا، رومینا، ۱۳۸۴: ۶۶).

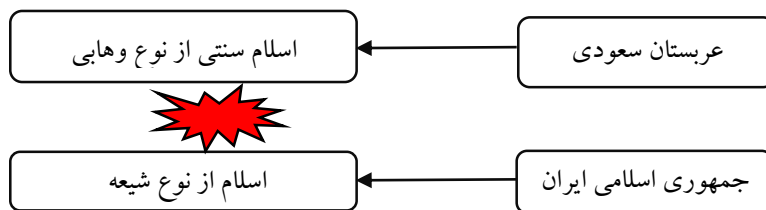
با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خروج آن از ساختار ژئوپلیتیک غرب و فروپاشی پیمان سنتو و بروز زنجیره ای از تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه، روابط ایران و عربستان به سوی توسعه تضادها گرایش یافت. این وضعیت تا پایان دهه ۱۳۶۰-ه.ش در ایران تداوم یافت.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در تیرماه ۱۳۶۷-ه.ش (جولای ۱۹۸۸) و پایان جنگ ایران و عراق (اسدی، ۱۳۸۱) و نیز تغییر جهت گیری سیاست خارجی طی سال های پس از آن، رویارویی بین ایران و اعراب تخفیف پیدا کرد (رمضانی، ۱۳۷۷: ۴۷). به عبارتی تغییر اوضاع داخلی در ایران همچون پایان جنگ ایران و عراق، تغییر رهبری و نیز تهاجم عراق به کویت و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران را با کشورهای کرانه خلیج فارس از حالت رودررو خارج و به اتخاذ روش های مصلحت جویانه و صلح طلبانه گرایش داد (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۰۲). این فرایند آشتی گرایی با توسعه شکاف در روابط آمریکا با اعراب، پدیدار شدن فرصت های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی جدید در عراق، افغانستان و منطقه برای آمریکا، از شتاب بیشتری برخوردار شد و مناسبات دو کشور به حالت عادی بازگشت. این وضعیت از ابتدای دهه ۱۳۷۰-ه.ش تا نیمه دوم دهه ۱۳۸۰-ه.ش تداوم یافت. دیدار ریاست جمهوری اسلامی ایران از عربستان نمونه توسعه در روابط دو کشور در این دوره است (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۳۴). از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰-ه.ش روابط دو کشور رو به تیرگی نهاد. عواملی چون سیاست ایالات متحده نسبت به عربستان، سیاست خارجی ایران در این دوره، تحولات داخلی در عربستان و مرگ پادشاه عبدالله و سیاست منطقه ای تنش گونه عربستان، تعارض در برداشت از منافع، تحولات در دنیای عرب، جنگ های داخلی در سوریه و یمن و ... در شکل گیری این شرایط تأثیرگذار بوده است.

علائق ژئوپلیتیکی متعارض و تنش ایران و عربستان

ایدئولوژی متعارض

هر یک از این کشورها حامل یک ایدئولوژی پویا هستند. ایدئولوژی موردنظر نیروی حرکت دهنده کنش های آنها خواهد بود. پس از انقلاب اسلامی به سرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سنی وهابی به رهبری عربستان سعودی قرار گرفت به نحوی که هر دو ایدئولوژی مشروعیت یکدیگر را زیر سؤال بردند (سریع القلم، ۱۳۷۴: ۳۰۶). هر ایدئولوژی پس از استقرار از قدرت تنیدگی و پایداری برخوردار است. به ویژه زمانی که با جریانات سیاسی و اقتصادی همراه گردد.

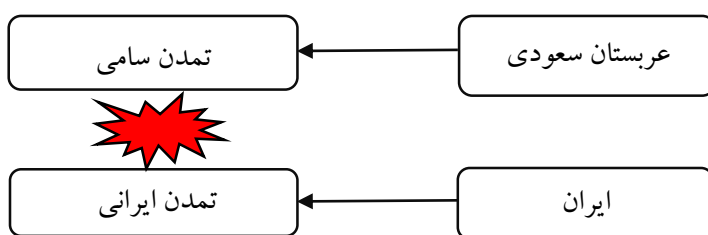


شکل ۵- علائق ژئوپلیتیک متقابل ایران و عربستان در فضای ملی یکدیگر

هر یک از کشورهای ایران و عربستان به عنوان دو کانون و داعیه دار این نوع ایدئولوژی محسوب می شوند. این کانون گرایی دو کشور با تکیه بر متغیرهای تأثیرگذار دیگر، کنش تعارضی را افزایش داده است. از سوی دیگر این دو کشور جهت توسعه ایدئولوژی موردنظر، اقدام به انتشار فضایی بر مبنای مدل هاگستراندی می نمایند.

تمدن رقیب (ایرانی - سامی)

تفکر برتری پنداری بین ساکنان فضاهای جغرافیایی، پدیده ای عام است که از سطح محلی تا سطح منطقه ای و حتی جهانی می توان نمونه های فراوانی از آن آورد. تفکر برتری پنداری و فرودست انگاری و پیرو انگاری دو تمدن ایرانی و سامی نیز یکی از آنها است. تفکر برتری انگاری، احساسی تصویری است که بین ملت ها شکل می گیرد و این احساس مبنای عمل و کنش اجتماعی را شکل می دهد. دو تمدن ایران و سامی که در حال حاضر دو کشور ایران و عربستان داعیه دار آن هستند در طول تاریخ با یکدیگر در حال رقابت بوده اند. این دو تمدن در طول تاریخ ۱۳۰۰ به طور پایدار در تنش و منازعه بوده اند. غلبه تمدن سامی پس از ورود اسلام به ایران، نگرش مافوق و مادون اعراب نسبت به ایران را تقویت کرد. از سوی دیگر ایرانیان با تکیه بر تاریخ و تمدن کهن خود، نگرش اعراب را به چالش کشیده اند. نمونه اشعار و نثرها و نوشته های فراوانی در این زمینه در ایران وجود دارد که نشان دهنده رقابت تمدنی بین دو داعیه دار تمدنی ایران و عربستان در حال حاضر است. از سوی دیگر حاکمان عرب بیشتر بر اساس سیاست های نمادین عمل می نمایند و حتی برای کنترل سیاسی یکدیگر، خود را بیشتر مدافع هنجارهای عربی نشان می دهند (Barent, 1998: 1-2). علاوه بر آن عربستان به دلایل مختلف؛ موقعیت الگوی در ارتباط با دیگر کشورهای عربی داشته است (واعظی، ۱۳۸۷). این موقعیت الگویی با تکیه بر پیشینه رقابت تمدنی به دیگر فضای عربی نیز سرایت خواهد کرد.



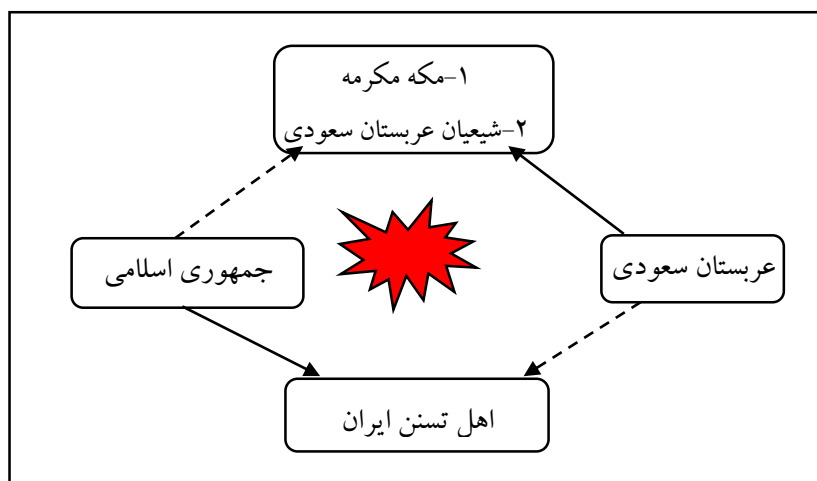
شکل ۶- وابستگی تمدنی ایران و عربستان

کنش تمدنی عربستان با تکیه بر زبانه های سامی این تمدن در بخش بزرگی از جنوب آسیا و شمال آفریقا پشتیبانی فکری و کنشی را به همراه دارد. در صورتی که کنش تمدنی ایرانی، در فضاهای جغرافیایی این تمدن یعنی افغانستان تاجیکستان و بخش های پراکنده ای از جنوب غرب آسیا صورت می گیرد.

علائق مذهبی - قومی در فضای سرزمینی رقیب

هر یک از مذاهب منشعب از دین اسلام، کانون های فکری و عقیدتی متفاوتی دارند. این کانون ها تولید فکر و پشتوانه مذهبی معتقدان خود را فراهم می کنند. از آنجا که این کانون ها ممکن است در فضاهای جغرافیایی کشور رقیب قرار گیرند، کنش

ژئوپلیتیکی را به همراه خواهند داشت. هر یک از این کشورهای ایران و عربستان علائق ژئوپلیتیکی در داخل مرزهای یکدیگر دارند که این علاقه ژئوپلیتیکی زمینه مداخله در مسائل داخلی همدیگر را فراهم می‌کند. اهل تسنن ایران به‌عنوان علاقه ژئوپلیتیکی عربستان سعودی محسوب می‌شود و شیعیان و مکه مکرمه در عربستان سعودی جزء علائق ژئوپلیتیک ایران در عربستان محسوب می‌شود.



شکل ۷- رویکرد ایران و عربستان نسبت به اسلام

رقابت در اوپک:

اوپک را می‌توان مظهر گروه‌بندی کشورهای غیرمنطقه‌ای جهت کسب منافع مشترک دانست. در حال حاضر دوازده کشور ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، ونزوئلا، قطر، لیبی، امارات متحده عربی، الجزایر، نیجریه، آنگولا و اکوادور عضو این نهاد اقتصادی هستند (Yergin, 2008: 2). اگرچه این نهاد باهدف «هماهنگی و یکپارچه‌سازی سیاست‌های نفت کشورهای عضو و تعیین بهترین راه برای تأمین منافع جمعی یا فردی آن‌ها، طراحی شیوه‌هایی برای تضمین ثبات قیمت نفت در بازار نفت بین‌المللی به‌منظور از بین بردن نوسانات مضر و غیرضروری و ...» (OPEC Secretariat, 2012: 9) تشکیل شد. ولی در مراحل پس از تشکیل و ثبات آن، عرصه رقابت تولیدکنندگان عضو واقع شد. به‌گونه‌ای که کشورهای تولیدکننده جهت کسب جایگاه بالاتر به رقابت پرداختند. رقابت ایران و عربستان نیز در این زمینه قابل توجه است. در دهه ۱۹۷۰-۱۹۷۰م. ایران فاصله نزدیکی با کسب رتبه اول تولیدکننده نفت داشت که با وقوع انقلاب اسلامی، ایران فضای رقابتی را به دیگر تولیدکنندگان نفت اوپک واگذار نمود. لیکن با توجه به ظرفیت‌های ذخایر نفتی، ایران به‌عنوان رقیب بالقوه عربستان محسوب می‌شود. بر اساس آمار منتشرشده ۲۰۱۵ کشورهای عضو اوپک سهم مهمی از بازار تولید نفت خام جهان را در اختیاردارند (International Agency Energy Secure Sustainable Together, 2015). در این بین عربستان به‌عنوان بیشترین تولیدکننده نفت اوپک محسوب می‌گردد.

فضاهای پیرامونی عرصه رقابت و منازعه

الف) فضای رقابتی شرق دریای مدیترانه: یکی از فضاهایی که همواره میان ایران و عربستان بر سر آن اختلاف‌نظر و رقابت وجود داشته، منطقه شرق دریای مدیترانه است؛ فضایی که منطبق با لبنان و بخش‌هایی از کشور سوریه است. در این منطقه، شیعیان زندگی می‌کنند و در طول تاریخ ارتباطات فرهنگی، مذهبی و تجاری با ایران داشته‌اند. در حال حاضر حزب‌الله در لبنان این

تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش های منطقه ای در جنوب غرب آسیا ۱۷/

کارکرد تاریخی را احیا کرده است و نفوذ ایران را در غرب آسیا تقویت کرده است. این رابطه از سوی عربستان سعودی مورد انتقاد قرار گرفته است.

ب) فضای رقابتی غرب عراق و شرق سوریه: فضای جغرافیایی دیگری که در آن میان ایران و عربستان رقابت و درگیری وجود دارد، منطقه بین عراق و سوریه است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط جمهوری اسلامی ایران با سوریه به اتحاد استراتژیک ایران تبدیل شد. از سوی دیگر، پس از سقوط صدام، با روی کار آمدن شیعیان در عراق، روابط ایران و عراق نیز دوستانه و در نتیجه، نفوذ ایران در کشورهای سوریه و عراق تقویت شد.

ج) فضای رقابتی شمال یمن: کشور یمن در جنوبی عربستان محل سکونت شیعیان بوده است. جمعیت شیعیان این کشور در حال حاضر قریب به ۸ میلیون نفر است. شیعیان این کشور در چند سال اخیر جنبش های اعتراضی را پیگیری کردند. با سقوط گروه های طرفدار عربستان و تصاحب قدرت در این کشور توسط شیعیان، نفوذ ایران در این کشور افزایش یافت و از سوی دیگر نفوذ سنتی عربستان کاهش یافت. این فرایند موجب دخالت نظامی عربستان در امور داخلی یمن شد.

د) فضای رقابتی در خلیج فارس: بحرین و جزایر سه گانه ایرانی را یکی دیگر از فضاهای رقابت بین ایران و عربستان باید دانست. بخش عمده ای از جمعیت بحرین شیعه مذهب هستند و این مسئله باعث شده تا مورد توجه ایران شیعی واقع شوند. از آنجا که حکومت این کشور با اهل تسنن مورد حمایت مستقیم عربستان است یکی از فضاهای رقابت بین دو کشور محسوب می شود. در رابطه با جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی عربستان سعودی همواره تلاش کرده است تا از طریق امارات متحده عربی ایران را تحت فشار جهت واگذاری این جزایر به امارات از سوی ایران را پیگیری کرده است.

ه) فضای رقابتی غرب پاکستان و افغانستان: جنوب شرق ایران و غرب پاکستان محل سکونت اقوام بلوچ است که به دلیل ترسیم استعماری بین ایران و پاکستان در حال حاضر از سوی عربستان جهت فشار به ایران مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین طالبان و حمایت های مالی عربستان از آن ها را می توان به عنوان یکی دیگر از فضاهای تنش بین ایران و عربستان محسوب کرد (رومینا، ۱۳۹۵: ۴).



شکل ۸- فضاهای تنش بین ایران و عربستان

منبع: (به نقل از پایگاه خبری جغرافیای سیاسی، <http://newspg.ir>)

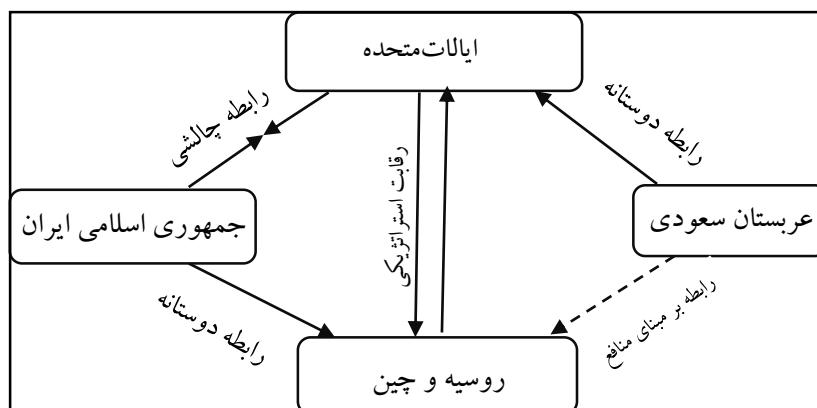
هر دو کشور ایران و عربستان در فضاها و مناطق پیرامونی نسبت به منافع واقعی یا تصویری، رویکرد غیرقابل تقسیم دارند. این رویکرد موجب پایداری منازعه و چالش سازی مداوم بین دو کشور را فراهم می کند.

ساختار سیاسی متفاوت

هر یک از کشورهای ایران و عربستان دارای یک سیستم سیاسی ویژه است. این سیستم‌های سیاسی تولیدکننده نوع رفتار و کنش ویژه است. عربستان دارای حکومت پادشاهی است و ایران از یک نوع جمهوری اسلامی برخوردار است. اصولاً بخشی از کنش و تعاملات بین دو کشور در قالب ساختار موجود با تعارض و چالش مواجه است. این دو ساختار تولیدکننده نهادها و ساختارهای تابعی هستند که کنش آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و تعاملات آن‌ها را با موانع مواجه می‌سازد. عربستان سعودی دارای ساختار پادشاهی با حاکمیت مطلقه آل سعود است و ایران از یک جمهوری اسلامی با بن‌مایه‌های مذهبی.

رابطه با سیستم‌های سطح جهانی

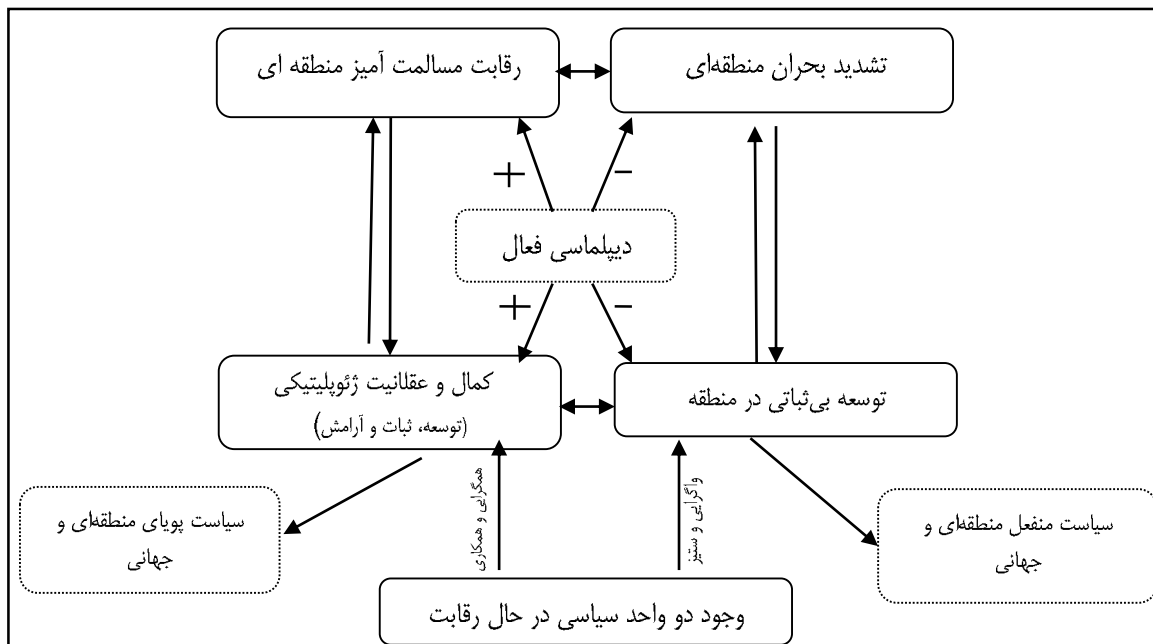
هر یک از کشورهای ایران و عربستان دارای رابطه بسیار نزدیک با سیستم سیاسی سطح جهانی هستند که این سیستم‌های سطح جهانی در حال رقابت با یکدیگر هستند (Roumina, 2017: 112).



شکل ۹- روابط ایران و عربستان با سایر قدرت‌های جهانی

نتیجه‌گیری

داده‌های مورد مطالعه در بخش یافته‌های تحقیق حاکی از تنش بین دو واحد سیاسی ایران و عربستان و پایداری آن است. لذا دو واحد سیاسی در هیچ شرایطی در کنار همدیگر نخواهند بود. رقابت پایدار است ولی تابع کنش سیاسی ممکن است رقابت مسالمت‌آمیز جایگزین تنش و یا منازعه شود. هر زمان حوزه نفوذ ایران در منطقه افزایش یابد، عربستان در برابر این مسئله واکنش نشان داده و سعی در محدود کردن ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب می‌کند و بالعکس نیز صدق می‌کند. شکل ۹، الگوی تعاملی یا تعارضی منطقه‌ای بین ایران و عربستان را نشان داده است.



شکل ۱۰- الگوی تعاملی/تعارضی منطقه‌ای

در صورت به کارگیری الگوی فوق در یک رابطه تعامل می‌توان انتظار ایجاد فضایی آرام در جنوب غرب آسیا که بیشترین تحولات منطقه تحت تأثیر نقش آفرینی دو قدرت ایران و عربستان است بود. این الگو نیازمند یک دیپلماسی پویا متکی بر نقش آفرینی بازیگران منطقه در تحولات ذاتاً منطقه‌ای است. لیکن نمی‌توان نقش آفرینی قدرت‌های فرا منطقه‌ای را مورد توجه قرار داد. از این رو الگوی فوق در فضای رقابت مسالمت آمیز ایران و عربستان تابع تلاش‌های دیپلماتیک در سه سطح زیر است:

سطح بین کشوری: دیپلماسی فعال ایران و عربستان جهت کاهش تنش‌های بین دو کشور؛
سطح منطقه‌ای: کشورهای منطقه‌ای که متأثر از رفتار و کنش‌های دو کشور هستند می‌توانند در کاهش تنش بین دو کشور ایران و عربستان نقش آفرین باشند.

سطح جهانی: کشورهای اروپایی، روسیه، ایالات متحده آمریکا و چین می‌توانند در کاهش تنش بین ایران و انگلستان به واسطه دیپلماسی سطح جهانی تأثیر گذار باشند.

منابع و مآخذ

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹)، واگرایی و هم‌گرایی در روابط ایران و عربستان، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تابستان، شماره ۲.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، انتشارات سمت.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۲)، تعاملات سیاسی ایران-عربستان پس از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه راهبرد، شماره ۱.
- پایگاه خبری جغرافیای سیاسی <http://bit.ly/2vR2c4I>
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا، رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴)، تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۰، شماره ۲، تابستان. صص ۶۶-۸۲.
- حسنات، سید فاروق (۱۳۷۲)، اختلافات ارضی عامل بی‌ثباتی ترتیبات امنیتی در خلیج فارس، ترجمه: باقر نصیر، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس.



- رضانی، روح‌الله (۱۳۷۷)، طلیعه آشتی اعراب با ایران: به‌سوی سیاست یکپارچه ایالات‌متحده در خاورمیانه، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲، صص ۴۶-۵۹.
- رومینا، ابراهیم (۱۳۹۵)، همایش تحولات ژئوپلیتیک در جنوب غرب آسیا، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مقاله منتشرنشده.
- سادات عظیمی، رقیه (۱۳۷۵)، عربستان سعودی (مجموعه مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌الملل)، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۴)، میزگرد شناخت استراتژی آمریکا نسبت به ایران و خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲.
- شکویی، حسین (۱۳۶۴)، فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر تأمین امنیت خلیج فارس، فصلنامه سیاست خارجی، سال دوازدهم.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل، فصلنامه میقات حج، تابستان، سال شانزدهم.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۵)، جغرافیا ترکیبی نو، جلد ۲، ترجمه: شاپورگودرزی‌نژاد، تهران، سمت.
- Barnett, M. (1998), *Dialogue in Arab Politics*, New York, Columbia University Press.
- Johnston, R.J Gregory, D, Smith, M. (1994), *The Dictionary of Human Geography*, U.K Blackewll.
- International agency energy secure sustainable together (2015), *Key world energy statistics*, In http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/KeyWorld_Statistics_2015.pdf
- OPEC Secretariat (2012), *Organization of the Petroleum Exporting Countries*. Vienna, Austria.
- Roumina, E. (2017), *Analyzing the Relationship of the Claimant State in a Geopolitical Area, Case Study: Saudi Arabia and Iran in International Conference of Korean Association for Visual Culture*. Korea University, Korea.
- Yergin, D. (2008), *The Prize, The Epic Quest for Oil, Money and Power*, New York, Simon and Schuster.